

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داروی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و

داروی شافیه

از کتاب شریف طب الائمه (علیهم السّلام)

مؤلف: علامه سید عبداللّٰه شبر (رحمة الله عليه)

مترجم: حجت الاسلام دکتر عباس پسندیده

● امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده اند: این دارو، داروی محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، و شبیه آن چیزی است که امین وحی، جبرئیل آن را به حضرت موسی هدیه کرد، جز آنکه کاهش و افزایشهایی در این هست که در آن نبوده است. این داروها از ساخته های پیامبران و جانشینان حکیم آنان است، پس اگر در میزانی که آنها قرار داده اند^(۱). افزایش و کاهش در آن ایجاد شود یا جبه ای کم یا زیاد شود، اصل آن شکسته شده و دارو فاسد می شود و اثر نبخشد زیرا هرگاه در ساخت دارو اشتباه شود، اثر آن نیز

۱. در کتاب آمده: (أو وضعوه) ولی صحیح آن (مما وضعوه) است.

از بین می‌رود. دستور تهیه آن دارو این است:

چهار رطل سیر پوست کنده را با چهار رطل [شیر گاو درون پاتیل ریخته و زیر آن شعله ملایمی روشن کرده تا سیر، شیر را جذب کند سپس چهار رطل] ^(۱) روغن گاو در پاتیل ریخته و هرگاه سفت شد و حالت چسبندگی پیدا کرد چهار رطل عسل به آن اضافه کرده و حرارت ملایمی زیر آن روشن می‌کنیم و سپس به اندازه دو درهم بابونه ^(۲) به آن اضافه کرده و سپس به شدت آن را به هم زده تا سفت شود. پس از آن که سفت شد و آماده شد و خوب آمیخته شد، آن را در حالی که گرم است درون بستویی ریخته و در آن را محکم بسته و در ایام تابستان چند روزی آن را درون جَو یا خاک تمیز قرار ده و در فصل زمستان به اندازه یک گردوی بزرگ از آن را ناشتا بخور. این دارو، دارویی است جامع که برای هر بیماری کوچک و بزرگ مفید است و نزد اهل ایمان شناخته شده و تجربه شده است ^(۳).

● امام صادق علیه السلام درباره داروی محمد صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: دارویی است که برای هرچه استفاده شود مفید است. آن را برای همه بیماریها و بادها و دردها استفاده کن و به برادران ایمانی خود بیاموز که در برابر هر مؤمنی که آن را فرا می‌گیرد پاداش کسی را به تو می‌دهند که بنده‌ای را از دوزخ نجات داده است ^(۴).

● در کتاب طب الاثمة آمده: ائمه اطهار علیهم السلام این دارو را به دوستان خود می‌آموختند و این دارو، دارویی است که (شافیه) نامیده شده و غیر از داروی (جامعه) است. برای درمان فلج کهنه و جدید، و کج شدن فک کهنه و جدید و [دمل کهنه و جدید و] ^(۵) سیاه سرفه کهنه، [و جدید و کزاز و باد شوک‌آور و چشم

۱. در کتاب نیست. ۲. در کتاب آمده: (قراضاً) ولی صحیح آن (قراضاً) است.

۳. بحار الانوار: ج ۶۲، ص ۲۵۹.

۴. بحار الانوار: ج ۶۲، ص ۲۶۰.

۵. در کتاب نیست.

درد و ریح السبل که باعث روئیدن موی در چشم می شود و برای پا درد کهنه ناشی از روئیدن چیز اضافه ای بر پا^(۱) و معدۀ ضعیف و باد ام الصبیان و بی تابی زن باردار در خواب و بیماری سل که نفخ^(۲) می آورد و آن آب زردی است که در شکم است و برای جذام و نشانه های زهره و بلغم و خارش پوست و مار و عقرب گزیدگی مفید است.

این دارو را آنگاه که فرعون تصمیم گرفت بنی اسرائیل را مسموم کند امین وحی جبرئیل برای موسی بن عمران آورد. فرعون روز یکشنبه را عید قرار داد و غذاهای فراوانی را تهیه و سفره های بسیاری گستراند و غذای آنان را به سم آغشته کرد. حضرت موسی به همراه بنی اسرائیل که ششصد هزار^(۳) نفر بودند به سوی این میهمانی خارج شد. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در آستانه محل میهمانی^(۴) توقف کرد و زنان و فرزندان را برگرداند و به بنی اسرائیل گفت از خوراکیها و نوشیدنی ها نخورید و نیاشامید تا من برگردم. پس از چندی بازگشت و به هرکدام به اندازه سر سوزن از این دارو داد زیرا وی می دانست که [اگر فرمان به نخوردن غذا بدهد] آنان فرمان او را مخالفت کرده و از غذای فرعون استفاده خواهند کرد. او به همراه بنی اسرائیل روانه شد.

وقتی که نگاه آنان به سفره های گسترده افتاد، به سوی غذاها هجوم برده و سرگرم خوردن شدند. فرعون برای موسی و هارون و یوشع بن نون و برخی از بزرگان بنی اسرائیل غذای مخصوصی آورد و گفت: من بر خودم عهد کرده ام که خدمتکار شما جز من یا یکی از بزرگان کشورم نباشد.

۱. همان. ۲. در کتاب آمده: (بالنقح) که صحیح آن (بالنفخ) است.

۳. در کتاب، رقم سیصد هزار نفر آمده است.

۴. یا تنگه. در نسخه ای آمده (عند المضیق) و در نسخه دیگر: (عند المضیق).

همه خوردند تا سیر شدند و فرعون پی در پی به آنان سم می داد. وقتی که غذا تمام شد موسی و یاران او خارج شده و آن حضرت به فرعون گفت: زنان و کودکان و سالمندان پس از ما می آیند. منتظر آنها می مانیم!

فرعون گفت: به آنها نیز غذا می دهیم و همانند همراهانت، آنان را نیز اکرام خواهیم کرد!

پس چنین کرده و به آنان نیز همانند مردان غذا دادند. موسی به سوی لشگر رفت و فرعون رو به اصحاب خود کرد و گفت: می پندارید که موسی و هارون جادو کرده و یا جادو به ما نشان دادند که غذا می خورند ولی اکنون که خارج شده اند و سحر باطل شده است معلوم می شود که هیچ نخورده اند. هرکس را که می توانید امروز و فردا برای خوردن باقیمانده غذاها گرد آورید تا نابود^(۱) شوند و آنان چنین کردند.

از سوی دیگر فرعون فرمان داده بود که برای اصحاب خود غذای ویژه ای که مسموم نباشد تهیه کنند. او همه را برای خوردن آن گرد آورد. برخی خوردند و برخی نخوردند. هرکس خورده بود نفخ^(۲) کرد. و هفتاد هزار مرد و صد و شصت هزار زن به جز چهار پایان و سگها و ... به هلاکت رسیدند. اینجا بود که موسی و اصحاب خود از فرمان خداوند درباره خوردن داروی (شافیه) در شگفت شدند.

سپس خداوند این دارو را توسط جبرئیل بر رسول خود نازل کرد:

مقداری سیر پوست کنده تهیه و آن را خردکن^(۳) ولی نه آنقدر که نرم شود، و آن را درون پاتیل یا ظرفی که حاضر است ریخته و سپس حرارت ملایمی زیر آن روشن

۱. در کتاب آمده (یتعافوا) ولی صحیح آن (یتفانوا) است. در کتاب آمده: (لحق) ولی صحیح آن (نفخ) است.

۳. در کتاب آمده: (تشرحه) ولی صحیح آن (تشدخه) است.

کن . سپس روغن گاو را به اندازه‌ای اضافه می‌کنی که روی سیر را بگیرد و با شعله ملایم حرارت می‌دهی تا روغن را به خود بگیرد ، بار دیگر مقداری روغن اضافه کن تا به خود بگیرد و این کار را آنقدر تکرار کن تا اینکه دیگر سیر چیزی به خود نگیرد . سپس بر آن شیر گاو جوان ریخته و با شعله ملایم حرارت ده و همانند روغن عمل کن تا اینکه دیگر شیر را نیز به خود نگیرد . سپس به سراغ موم عسل رفته و عسل را از آن جدا کرده و جداگانه حرارت می‌دهی و نباید ذره‌ای موم در آن باشد ، سپس آن را روی سیر ریخته و با شعله ملایم حرارت بده همانگونه که با روغن و شیر عمل کردی .

آنگاه به سراغ ده درهم سیاه دانه رفته و آن را نرم کن و بدون اینکه آن را صاف کنی پاک کن . و به اندازه پنج درهم فلفل مرزنجوش تهیه و آن را کوبیده و درون آن ریخته و بر روی آتش حرارت بده تا مثل حلوا شود .

سپس آن را فوراً درون ظرفی که با روغن گاو چرب شده باشد بریز تا نه غبار و نه چیز دیگری و نه باد به آن نرسد . سپس آن را به مدت چهل روز درون ظرفی از جَو یا درون خاک قرار می‌دهی و البته هرچه بیشتر بماند بهتر است . مقدار یک نخود از این دارو را به هنگام شدت درد به بیمار می‌دهی . اگر بر این دارو یک ماه بگذرد و به اندازه نصف گردو از آن پیش از غذا مصرف شود برای دندان درد و همه پی آمدهای بلغم مفید است . اگر دو ماه بر آن بگذرد و به اندازه نصف گردو از آن به هنگام خواب مصرف شود ، برای تب شدید مفید بوده و بهترین دارو برای هضم غذا و هرگونه بیماری چشم است .

پس از سه ماه اگر پیش از غذا مصرف شود برای زهره صفراء و بلغم فوران کرده و برای هر بیماری دیگری که از پی آمدهای فوران بلغم باشد مفید است .

پس از چهار ماه ، خوردن آن پیش از خواب برای تار شدن چشم و تنگی نفس به هنگام راه رفتن مفید است .

پس از پنج ماه روغن بنفشه یا روغن کنجد تهیه و به اندازه نصف عدس از این دارو را با آن روغن تفت داده و در بینی کسی که به سردرد شدید دچار است ریخته می شود .

پس از شش ماه ، به اندازه یک عدس آن را به همراه بنفشه ، صبح ناشتا درون آن سوراخ بینی که در سمت شقیقه ای است که درد می کند ، ریخته می شود .

پس از هفت ماه برای بادی که در گوش می پیچد مفید است . به اندازه یک عدس آن را باید صبح ناشتا به وسیله عصاره گل درون گوشی که درد می کند چکاند .

پس از گذشت هشت ماه برای زهره حمراء و خوره مفید است . آن را به همراه آب پیش از صبحانه به هنگام طلوع خورشید صرف کرده و با هرگونه روغن که خواستی چرب کن و بر محل درد بگذار .

پس از گذشت نه ماه ، به اذن خداوند برای مسدود شدن رگ و پر خوابی و هذیان گوئی در خواب و ترس و بی تابی مفید است . به اندازه یک عدس از آن را با روغن بذرترب ، در حال ناشتا و هنگام خواب باید مصرف کرد .

پس از گذشت ده ماه برای زهره سوداء و^(۱) صفراء که آدمی را مضطرب و پریشان^(۲) می کند و برای تب درونی و پریشانی عقل مفید است . یک عدس آن را صبح ناشتا و به هنگام خواب ، به همراه سرکه و سفیده تخم مرغ با هر روغنی که خواستی باید مصرف کرد .

پس از گذشت یازده ماه برای زهره سوداء که بی تابی و وسواس را در پی دارد

۲. در کتاب آمده (بالبله) ولی صحیح آن (بالبلبله) است .

۱. در کتاب نیست .

مفید است ، صبح ناشتا یک نخود آن را باروغن گل و به هنگام خواب یک نخود آن را بدون آن باید مصرف کرد.

پس از گذشت دوازده ماه به همراه آب مرزنجوش برای فلج جدید و کهنه مفید است . به اندازه یک عدس آن را باید مصرف کرد و به مدت دو روز پاهای او را پیش از خواب باروغن و نمک چرب کرد و از خوردن سرکه و شیر و سبزیجات و ماهی پرهیز کرد . و پس از آن هرچه خواست بخورد .

پس از سیزده ماه برای دملی که در شکم به هم رسد و برای خنده بی جهت و بازی با ریش مفید است . یک نخود آن را با آب سداب باید تفت داد و اول شب مصرف کرد .

پس از گذشت چهارده ماه برای همه سمها مفید است هر چند پیش از مصرف دارو مسموم شده باشد . تخم بادنجان را کوبیده روی آتش تفت داده و صاف کرده و باید به هنگام سحر یک نخود از این دارو را با آب گرم ، یک ، دو ، سه و یا چهار بارو نه بیشتر مصرف کرد .

پس از پانزده ماه برای جلوگیری از زیان جادو ، گرمی ، سردی و ارواح مفید است . یک فندق آن را با خرما تفت داده و به هنگام خواب خورده و در آن شب و فردای آن ننوشد تا اینکه به مقدار زیادی اطعام کند .

پس از شانزده ماه ، نصف عدس آن را با آب باران تازه از همان روز یا همان شب ، و یا با تگرگ تفت داده و تا چهار روز ، هر روز سه نوبت صبح ، عصر و به هنگام خواب ، به چشم کسی که کوری کهنه یا جدید دارد ، کشیده می شود . اگر خوب نشد این کار را باید تا هشت روز ادامه داد . به اذن خداوند تا به روز هشتم نرسیده خوب خواهد شد .

پس از گذشت هفده ماه، به همراه روغن پاچه گاو، نه گوسفند، به اذن خداوند، برای درمان جذام مفید است. یک فندق آن را به هنگام خواب و ناشتا باید مصرف کرد و با یک حبه آن بدنش را به شدت چرب کرده و مالش داد. مقدار کمی از آن را نیز به همراه روغن زیتون یا روغن گل، باید در آخرین ساعات روز و داخل حمام، درون بینی او ریخت.

پس از گذشت هجده ماه، به اذن خداوند برای سفیدی پوست که شبیه پیسی است با این تفاوت که پوست را می شکافد و خون می آید مفید می باشد. بعد از طلوع فجر به اندازه یک نخود آن را با روغن فندق یا بادام تلخ و یاروغن صنوبر باید مصرف کرد. و یک حبه آن را با آن روغن در بینی ریخته و به همراه نمک به بدن مالید. نباید در اندازه و ویژگی این داروها تغییری داد. اگر دگرگون شود، تأثیر آن نیز دگرگون شده و هیچ فایده ای نخواهد داشت.

پس از گذشت نوزده ماه، آب انار شیرین و به اندازه یک حبه حنظلّه تهیه و در حالت ناشتا، به همراه آب گرم، برای درمان ناهنجاریهایی چون سهو و نسیان و بلغم به جوش آمده و تب کهنه و جدید مصرف می شود.

پس از گذشت بیست ماه، به اذن خداوند ناشنوبی را درمان می کند. آن را در آب کندر خیسانده و سپس آب را از آن جدا کرده و به اندازه دانه عدس کوچک درون گوش وی ریخته می شود. اگر شنوبی به وی برنگشت، روز بعد به همین مقدار به درون بینی کشیده می شود و باقیمانده آن بر سر وی ریخته می شود.

و همچنین برای بیمار مبتلا به برسام، آنگاه که سنگین شود و زبانش بلند شود نیز مفید است. ابتدا یک دانه انگور ترش و سپس از آن دارو به وی داده می شود که سودمند واقع خواهد شد و درد او را کاهش خواهد داد.

هرچه این دارو کهنه تر شود بهتر بوده و به مقدار کمتری باید استفاده شود^(۱).